



اهوال روز قیامت

است، پس حریم او را حفظ کنید تا مورد سخط ذات اقدسش قرار نگیرید.

«فإن الدنيا ما ضیة بکم علی سنن»

دنیا بر شما مانند گذشتگان، طبق روش عاقبتی می گذرد.

دنیا گذرا است

خیال نکنید مرگ تنها برای پیشینیان بوده و شما در دنیا برای همیشه خواهید ماند. دنیا طبق روش معمول خودش بر شما نیز می گذرد و شما را می گذراند و عمرتان را فانی می سازد و اجلتان را می رساند و این روش الهی است که هرگز تغییر پذیر نیست «کل شیء و هالک الا وجهه» هر چیز و هر کسی جز ذات پاک ذوالجلال، فانی و از بین رفتنی است. سنت الهی اقتضا کرده است که انسان به دنیا بیاید، و دوران های کودکی، جوانی و کهولت و پیری را بگذراند و سپس مرگ او را دربر گیرد، جز اینکه در اثر حوادث روزگار، برخی زودتر می میرند و شاید بعضی از افراد نیز بیش از دیگران عمر کنند ولی در هر صورت، عمر انسان در دنیا محدود است و اجل دیر یا زود فرا می رسد و او را به دیار ابدیت می برد. و این روش تازگی ندارد و برای تمام انسان ها در تمام عصرها و مصرها بوده است.

«وانتم والساعة فی قرن»

و شما با قیامت به ریسعتی بسته شده اید.

فَاللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ ، فَإِنَّ الدُّنْيَا مَا ضِيَةٌ بِكُمْ عَلَى سُنَنِ ، وَ أَنْتُمْ وَالسَّاعَةَ فِي قَرْنٍ ، وَ كَأَنَّهَا فَدَجَاءَتْ بِأَشْرَاطِهَا ، وَ أَرَبَتْ بِأَقْرَاطِهَا ، وَ وَفَّقَتْ بِكُمْ عَلَى حَيْرَاتِهَا

بحث پیرامون خطبه ۱۹۰ نهج البلاغه با تفسیر محمد عبده و یا خطبه ۲۳۲ با ترجمه فیض الاسلام بود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این خطبه پس از حمد و ثنای پروردگار و درود فرستادن بر پیامبر و اهل بیتش صلوات الله علیهم اجمعین، مردم را به مرگ و سختیها و فشارهایش توجه می دهند، و پس از وصف عذاب و فشار قبر و دوزخ به قیامت و بهشت و جهنم می پردازند. در گذشته قسمت اول آن را مورد بررسی قرار دادیم و اینک به دنبال بحث:

«فَاللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ»

پس ای بندگان خدا، حریم خدا را حفظ کنید و از خدا بترسید.

واژه مبارکه «الله» که در این جمله آمده است، در حقیقت مفعول است برای فعل محذوف، گویا حضرت می فرماید: فاتقوا الله یا فاحذروا الله یعنی حریم خدا را نگهدارید و از خدا بترسید و توجه بخدا بکنید. شما مردم که بندگان خدا هستید باید توجه داشته باشید که مالک و خالق و پروردگار شما «الله»

قیامت نزدیک است

«قرآن» در زبان عرب، طنابی را می‌گفتند که چندشتر را با آن می‌بستند، به این گونه که شترها را در یک ردیف قرار می‌دادند و سپس بوسیله طناب آنها را با هم مقرون می‌کردند و می‌بستند. و حضرت می‌خواهند بفرمایند: چنین نپندارید که تا قیامت مدت زیادی در پیش است و دل خود را به دنیای زودگذر خوش نکنید که گویا شما را با قیامت به ریسمانی بسته‌اند. قرآن در باره قیامت می‌فرماید: «انهم برونه بعداً ونراه قریباً» آنها قیامت را دور می‌بینند و ما آن را نزدیک می‌بینیم.

هنگامی که روز قیامت فرا رسد، تمام دنیا و گذشته‌های دنیا را که در ذهنت می‌گذرانی، بنظرت می‌رسد که بیش از یکساعت نگذشته است، انگار یک ساعت بیشتر از آن همه لذتها و خوشگذرانیها نگذشته است. در هر صورت ممکن است مقصود از ساعت، مرگ باشد یا قیامت باشد و یا حساب و کتاب.

«وكانها قد جاءت بأشراطها».

و گویا قیامت با نشانه‌هایش فرا رسیده.

در اینجا ملاحظه می‌فرمائید که حضرت این مطالب را با «فعل ماضی» بیان کرده است، با اینکه قیامت هنوز نرسیده از فعل ماضی و گذشته استفاده کرده است زیرا «ماضی» در حقیقت برای «تحقق» است نه برای گذشته ولی چون گذشته محقق شده لذا در آن فعل ماضی استعمال می‌کنند. پس اینکه گفته می‌شود ماضی برای گذشته است و مستقبل برای آینده، به این کلیت درست نیست و اصلاً در فعل، زمان ماخوذ نمی‌باشد بلکه اگر مطلبی قطعی است و می‌خواهند محقق بودن آن را بیان کنند، فعل ماضی می‌آورند و اگر چیزی انتظارش را ندارند که موجود بشود، از فعل مستقبل استفاده می‌کنند و لذا برای فعل ماضی می‌گویند. یفید التحقق و برای مستقبل می‌گویند یفید الترقب. یعنی انتظار الشیء.

پس چون مفاد فعل ماضی در گذشته محقق شده است، به این اعتبار آن را ماضی می‌گویند و مفاد فعل مستقبل را چون انتظار می‌رود که در آینده محقق شود و ممکن است نشود، لذا فعل مستقبل می‌گویند.

در مورد قیامت، در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام ما بیشتر به فعل ماضی برخورد می‌کنیم چرا که آن

را محقق شده می‌دانند و می‌خواهند به ما اطمینان بدهند که هیچ شک و تردیدی در آن نیست و امری قطعی و لازم التحقیق می‌باشد.

در قرآن می‌خوانیم: «اتس امرالله فلا تستعجلوه»^۲ امر خدا (قیامت) رسید، پس عجله نکنید. یا در سوره قمر می‌خوانیم: «اقترب الساعة...»^۱ ساعت نزدیک شد. توجه کنید که تمام این افعال، ماضی است که محقق و قطعی بودن قیامت را می‌رساند.

اشراط: جمع شرط است بمعنای علامت و نشانه.

اگر خود قیامت هنوز نرسیده است، نمودارها و نشانه‌هایش آشکار است؛ همانگونه که عرض کردم ممکن است مقصود از «ساعت»، مرگ باشد که نشانه‌هایش در سفید شدن موها، خم شدن کمر، بی‌نور شدن چشم و سستی پا و تمام اعضاء و جوارح نمودار است و اگر قیامت باشد که خود مرگ، می‌تواند از نشانه‌هایش باشد.

«وأزفت بأفراطها».

و با پرچمها و علامتهایش نزدیک شد.

ازفت: یعنی نزدیک شد. در قرآن می‌خوانیم: «ازفت الأزفة»

یعنی قیامت که نزدیک است، نزدیک شد.

و در این سخن حضرت امیر علیه السلام به این معنی که ساعت مرگ یا ساعت قیامت با پرچمها و نشانه‌هایش نزدیک شد. اشاره شده است.

افراط: ممکن است جمع «فَرَط» باشد یا جمع فَرَط.

فَرَط: بمعنایش علامت شنی است؛ گاهی یک پرچم و علمی درجائی بر پا می‌داشتند که نشانه‌ای برای آن جا باشد.

فَرَط: یا فتح را بمعنای پیشقراول است. هر وقت یک دسته‌ای می‌خواستند به جایی بروند قبلاً چند نفر را می‌فرستادند که مثلاً خیمه بزنند و وسایل اقامت را در آنجا تهیه نمایند. اینان را که جلومی‌افتادند و پیش از قافله برای تهیه وسایل حرکت می‌کردند، «فَرَط» می‌نامیدند. و در فَرَط، مذکر و مؤنث و مفرد و جمع یکسان است یعنی می‌گویند: رجل فَرَط و امرأة فَرَط و قوم فَرَط. و در آنجا که حضرت رسول صلی الله علیه وآله می‌فرمایند:

«انا فرطکم علی الحوض» - من سر حوض کوثر پیش از شما می‌روم که گویا حضرت می‌خواهند بفرمایند من در آنجا پیشقدم می‌شوم تا منتظر شما بمانم.

هنگامی که کودکی از انسان می‌میرد در نماز میتی که بر او می‌خوانند، می‌گویند: «اللهم اجعله لنا فرطاً». خداوند، این بچه را پیشقراول ما قرار بده یعنی امیدواریم که این بچه در بهشت مهتای آمدن ما باشد و وسایل آمدن ما را فراهم آورد.

در هر صورت، حضرت می‌فرمایند: مرگ یا قیامت با پرچمها و نشانه‌هایش، خیلی نزدیک است، کافی است از رفتن پیشینیان عبرت بگیریم و بدانیم که این سرنوشت برای همه ما هست و سنت الهی هرگز تغییر پذیر نیست.

«ووقفتم بکم علی صراطها».

قیامت شما را روی خط خودش قرار داده است

صراط چیست؟

صراط در لغت عرب به معنای راه است و گرچه با «س» و «ز» نیز تلفظ شده ولی اصحش همان صراط با «صاد» است. در سوره حمد که می‌خوانیم: «اهدنا الصراط المستقیم»، یعنی خدایا راه راست را به ما راهنمایی کن.

صراط قیامت را در روایات به پستی که بر روی جهنم است معنی کرده‌اند که از موباریکتر و از شمشیر برنده‌تر است. از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که فرمود: «الصراط أدق من الشعرة وأحد من السیف»^۵ صراط از موباریکتر و از شمشیر برانتر است.

و درباره افرادی که بر این پل می‌گذرند، روایتهای زیادی وارد شده که برخی به سرعت برق عبور می‌کنند و برخی لنگ لنگان می‌روند و گروهی مقداری مکث می‌کنند تا اینکه آتش جهنم، آلودگیهایشان را پاک کند و آنگاه به سوی بهشت روانه می‌شوند؛ چرا که تا از این پل نگذری به بهشت راحت نمی‌دهند و این پل بر روی جهنم قرار گرفته است، پس اگر انسان مؤمن و خالص و پاکی باشی، به سرعت برق از آن می‌گذری و آتش جهنم به تو آسیبی نمی‌رساند ولی اگر مقداری شوائب و ناپاکی همراه داری، تا آنها زدوده نشوند، به بهشت راه نمی‌یابی. و ای بسا مردمانی که هرگز نتوانند راه را تا آخر عبور کنند و از همان جا، از بالای پل صراط به سوی جهنم پرتاب شوند. نستجیر بالله من عذابه. خداوند از عذابت به تو پناه می‌بریم.

در هر صورت روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که راجع به صراط فرمود:

«الناس يمرون على الصراط طبقات والصرراط أدق من الشعر ومن حذ السيف، فمنهم من يمر مثل البرق، ومنهم من يمر مثل عدو الفرس، ومنهم من يمر حيوياً، ومنهم، من يمر شياً، ومنهم من يمر متعلقاً قد تأخذ النار منه شيئاً وتترك شيئاً»^۶.

مردمی که بر صراط می‌گذرند، انواع گوناگونی هستند. و صراط از موباریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر است. پس برخی از مردم مانند برق می‌گذرند و برخی مانند دویدن اسب و برخی چهار دست و پا راه می‌روند و برخی مانند راه رفتن معمولی بر آن می‌گذرند و برخی هم بر آن معلق می‌شوند تا اینکه آتش دوزخ قسمتی از آنان را فرا گیرد و قسمتی را رها کند.

پس صراط که بر جهنم قرار دارد، همه باید بر آن بگذرند؛ در قرآن می‌خوانیم: «وان منكم الا واردها، كان على ربك حتماً مفضياً»^۷ و هیچ یک از شما نیست مگر اینکه به دوزخ وارد می‌شود، و این را خداوند بر خودش حتمی و مسلم قرار داده است. و سپس مؤمنین را نوید داده و می‌فرماید: «ثم ننجي الذين اتقوا ونذر الظالمين فيها جثياً»^۸ پس تقوا پیشگان را نجات می‌دهیم و ستمکاران و ظالمان را فرو می‌گذاریم تا در آنجا به زانو در آتش بیفتند.

صراط دنیا و صراط آخرت

این صراط قیامت در حقیقت تجسم همین صراط دنیا است چنانکه جهنم نیز تجسم همین دنیا می‌باشد این دنیای پر از تلاطم و پر از حوادث و جنگ و ستیز و جاذبه‌های مختلف که هر کس را به سویی روانه می‌سازد و مجذوب می‌نماید و در میان این همه جاذبه‌ها و خط‌ها، یک خط دقیق و باریک وجود دارد که همان خط پیامبر و امام است؛ و انسان می‌بایست این خط دقیق را طی کند تا از گزند حوادث و فتنه‌های دنیا در امان باشد و به خط‌های منحرف و فاسد آلوده نگردد، پس جهنم، در حقیقت باطن همین دنیا است و آن صراطی که روی جهنم است، باطن خط امام مفترض الطاعة است.

در حدیث آمده است: «الصراط هو الطريق الى معرفة الله عزوجل وهما صراطان: صراط في الدنيا وصراف في الآخرة، واما الصراط في الدنيا فهو الامام المفترض الطاعة، من عرفه في الدنيا

واقفندی بهداده، مرتعلی الصراط الذي هو جسر جهنم في الآخرة»^۱. نقل می کنند که واعظی بر روی منبر، صراط را تعریف و توصیف می کرد که از موباریکتر است و از شمشیر برنده تر. آدم ساده لوحی که پای منبر بود گفت: ای آقا! این چه راهی است که می گویی، بگوراه نیست و راحتان کن!

حقیقت هم همین است: این راه دقیق و باریک برای بسیاری از مردم راه نیست، اما برای اهل حق و انسانهایی که با شناخت حق را دنبال و از آن پیروی می کنند و دقیق و تیزبین هستند و راه را از چاه تشخیص می دهند، نه تنها راه است که با راحتی از آن می گذرند و آن را طی می کنند.

ادامه دارد

- ۱- سوره قصص- آیه ۸۸.
- ۲- سوره معارج- آیه ۷.
- ۳- سوره نحل- آیه ۱۰.
- ۴- سوره قمر- آیه ۱.
- ۵- بحار الأنوار، ج ۸- ص ۶۵.
- ۶- بحار ج ۸۸- ص ۶۵.
- ۷- سوره مريم- آیه ۷۱.
- ۸- سوره مريم- آیه ۷۲.
- ۹- معانی الأخبار، ص ۲۸.
- ۱۰- معانی الأخبار، ص ۱۴.

امام صادق علیه السلام در معنای صراط می فرماید: صراط راهی است به سوی شناخت خداوند عزوجل و صراط دو گونه است: یک صراط در دنیا است و یک صراط در آخرت و اما صراطی که در دنیا است، همان امام مفترض الطاعة واجب الامتاعه است که هر کس او را در دنیا شناخت و پیرو او بود و در راهش گام نهاد، بی گمان بر صراط آخرت که همان پلی است که بر جهنم واقع شده است عبور خواهد کرد.

آری! خط علی علیه السلام همان صراط مستقیم و دقیقی است که اگر کسی بر آن بگذرد، بر صراط قیامت نیز خواهد گذشت. حضرت رسول صلی الله علیه وآله- طبق روایتی- به علی علیه السلام می فرماید: «... فلا يجوز علی الصراط الا من كانت معه براءة بولایتك»^۲ هرگز کسی بر صراط نمی گذرد مگر اینکه گذرنامه ای از ولایت تو همراه داشته باشد.

پس ما باید مایه طی صراط آخرت را در همین دنیا تهیه کنیم و باید از خطهای انحرافی دوری جوئیم و به همان خط اهل بیت که خط مستقیم است پیوندیم تا این که روز قیامت بتوانیم بر پل جهنم، مانند برق جهنده بگذریم ان شاء الله.

باید حساب پس دهید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

امام صادق (ع):

«كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لِقَمَانُ ابْنِهِ: يَا بَنِيَّ وَاعْلَمْ أَنَّكَ تَشْتَلِقُ قَدْرًا إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ أَرْبَعٍ: شَبَابِكَ فِيمَا أَبْلَيْتَهُ وَغَمْرِكَ فِيمَا أَفْتَيْتَهُ وَمَالِكَ مِمَّا اكْتَسَبْتَهُ وَفِيمَا أَنْفَقْتَهُ».

(کافی- ج ۲- ص ۱۳۵)

از پندهای لقمان حکیم بفرزندش این بود که: فرزند من! بدان فردا که در پیشگاه الهی برای حساب، حاضر می شوی در باره چهار چیز از تو می پرسند:

- ۱- جوانیت را در چه راه تمام کردی؟
- ۲- عمرت را در چه کاری به پایان رساندی؟
- ۳ و ۴- ثروت را چگونه به دست آوردی و آنرا در چه راهی صرف کردی؟

